

سلامت و رفاهیت



دانشگاه پیام نور

واحد بهسر

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

گروه الهیات

عنوان

کفایت در قصاص نفس از منظر دین، عدد و جنسیت

استاد راهنما

دکتر محمد حسین شعبانی

استاد مشاور

دکتر حسینی مقدم

سلیمان نیازی دهنه

پاییز ۹۲

تقدیم به پدر بزرگوارم و مادر فداکارم؛

«که با دیدگان امیدوار و ترقم دلنشین خود، در گذر از پستی و

بلندی‌های راه، و در تمامی لحظات هم‌مقدم بوده، هستند و خواهند بود.»

«و با سپاس فراوان از برادران و خواهران نازنینم، که همواره مشوقم بودند.»

تقدیر و تشکر

سپاس و ستایش بی‌کران خدای راست که قرآن را هدایتگر بشریت و چراغ راه آنان قرار داد و با نزول آن بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) ما را از ظلمت جهل و گمراهی نجات داد.

تقدیر و تشکر از استاد راهنما و فرهیخته: جناب آقای دکتر محمد حسین شعبانی؛

« خواستم بگویم: راهنمایی است که همچون پدری دلسوز، از لطف خود، قلب فرزندانش را پر مهر

می‌سازد، و سخاوتمندانه همچون ابر بهاری می‌بارد. »

استاد معظم جناب آقای دکتر حسینی مقدم؛

«جای دارد از همکاری صمیمانه شما که با وجود مسئولیت‌های فراوان، استاد مشاور این تحقیق بوده-

اید و از راهنمایی‌های عالمانه خود مرا بی‌بهره نگذاشتید، قدردانی و تشکر کنم. »

چکیده

در فلسفه مجازات اسلامی، قصاص یکی از مجازاتهای شرعی است که جنبه حق الناسی و شخصی بودن آن بر جنبه حق الهی و عمومی آن غلبه دارد. کفایت در لغت به معنی، نظیر بودن، همسانی و همانندی است. ازدیدگاه فقه اسلامی، یکی از شرایط اعمال مجازات قصاص در خصوص مرتکب قتل عمد، تساوی بین جانی و مجنی علیه در دین است که به موجب قید مذکور، چنانچه مسلمانی عمداً کافری را به قتل رساند، کشته نمی شود، ولی چنانچه مقتول کافرذمی باشد، علاوه بر دیه، برخی واکنش های جزایی مانند تعزیر در انتظار مرتکب است. از منظر فقهای امامیه و شافعیه و حنبلیه، هیچ مسلمانی رادر برابر کشتن غیر مسلمان اعم از ذمی، مستامن و حربی قصاص نمی کنند. در ضمن از نظر فقهای شیعه و برخی از فقهای سنی، اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند ولی دم می تواند با رد مازاد دیه آنان، همه را قصاص کند. و یکی از موضوعات مهم در باب حقوق بشر اسلامی، تفاوت های فقهی و حقوقی است که میان مرد و زن قرار داده شده است. دیه مرد دو برابر دیه زن است و اگر چه مرد در برابر کشتن زن، قصاص می شود ولی فقیهان بر این باورند که در صورت قصاص مرد در برابر زن، خانواده زن باید «مازاد دیه» یعنی نیمی از دیه را به خانواده مرد برگردانند.

ازدیدگاه فلسفه مجازات اسلامی، قصاص، نه فقط به دلیل استحقاق مجرم و تحقق عدالت کیفری تشریح شده است و نه صرفاً برای تحقق آثار و نتایج فردی و اجتماعی، بلکه به جرم و استحقاق مجرم و تحقق عدالت توجه داشته و آینده را نیز به جهت جلوگیری از وقوع جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد در نظر دارد. نگارنده در نوشتار حاضر تلاش کرده است تا با بررسی نظریه ها و آرای فقهای شیعه و سنی کاوش در ادله و مبانی ارائه شده، به مطالعه این موضوع بپردازد.

کلید واژه ها: کفایت، قصاص نفس، دین، عدد و جنسیت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	فصل اول: کلیات پژوهش
۱-۱	مقدمه..... ۱
۲-۱	بیان مسئله..... ۵
۳-۱	اهمیت و ضرورت موضوع..... ۹
۴-۱	اهداف پژوهش..... ۱۷
۵-۱	فرضیه‌های پژوهش..... ۱۸
	فصل دوم: پیشینه پژوهش
۱-۲	قصاص..... ۲۱
۲-۲	۱- تعریف لغوی قصاص..... ۲۴
۲-۲	۲- تعریف اصطلاحی قصاص..... ۲۵
۳-۲	۳- انواع قصاص..... ۲۶
۳-۲	تعریف لغوی قتل..... ۲۸
۱-۳-۲	تعریف اصطلاحی قتل..... ۲۸
۲-۳-۲	انواع قتل..... ۲۸
۳-۳-۲	۳- قتل عمد..... ۳۲
۴-۳-۲	۴- قتل شبه عمد..... ۳۲
۵-۳-۲	۵- قتل خطاء..... ۳۳

- ۲-۴ قتلی که موجب قصاص است ۳۳
- ۲-۵ تعریف لغوی کفائت ۴۳
- ۲-۵-۱ تعریف اصطلاحی کفائت ۴۳
- ۲-۵-۲ پیشینه‌ی قصاص ۴۴

فصل سوم: بررسی کفائت در دیانت

- ۳-۱ اسلام ۴۷
- ۳-۱-۱ قصاص در بین اعراب قبل از اسلام ۴۷
- ۳-۱-۲ قصاص از دیدگاه قرآن مجید ۴۸
- ۳-۱-۳ شرایط قصاص در اسلام ۵۰
- ۳-۱-۴ امتیازات قصاص در اسلام ۵۸
- ۳-۱-۴-۱ اعتدال قصاص در اسلام ۵۸
- ۳-۲ اهل کتاب و کافر ذمی ۶۰
- ۳-۲-۱ علمایی که قائل به عدم کفائت بین مسلمان و کافر ذمی هستند ۶۶

فصل چهارم: بررسی کفائت در عدد

- ۴-۱ شرکت گروه در قتل یک فرد ۷۰
- ۴-۲ احادیث و قتل زن مرد را ۷۵
- ۴-۳ کلمات فقهای اهل سنت ۷۶
- ۴-۴ شرکت در قتل عمد ۸۱
- ۴-۴-۱ عوامل و کیفیات مؤثر در تحمیل مجازات قصاص بر شریک در قتل عمدی ۸۱
- ۴-۴-۱-۱ بند اول: تفاوت در دین شرکاء با یکدیگر و با مقتول ۸۲
- ۴-۴-۱-۲ بند دوم: تفاوت در جنسیت شرکاء با یکدیگر و با مقتول ۸۴
- ۴-۴-۱-۳ بند سوم: مرگ شریک ۸۵
- ۴-۴-۱-۴ بند چهارم: مرگ اولیاء دم ۸۶
- ۴-۴-۱-۵ بند پنجم: صغیر یا محجور بودن اولیاء دم ۸۹

- ۹۰-۴-۱-۶ بند ششم: فرار شریک در قتل عمدی.....
- ۹۱-۴-۱-۷ بند هفتم: وجود رابطه پدر فرزندی بین قاتل و مقتول.....
- ۹۲-۵-۵ شرایط اجرای حکم قصاص شریک در قتل عمدی.....
- ۹۳-۴-۱-۵ بند اول: مطالبه قصاص از ناحیه اولیاء دم.....
- ۹۴-۴-۱-۱-۵ غیبت اولیاء دم.....
- ۹۶-۴-۱-۲ تعدد اولیاء دم.....
- ۹۸-۴-۵-۲ بند دوم: رد فاضل دیه به شریک در قتل عمدی.....
- ۹۹-۴-۲-۱ در چه مواردی رد فاضل دیه واجب است؟.....
- ۱۰۲-۴-۲-۲ پرداخت فاضل دیه بر عهده چه کسی است؟.....
- ۱۰۴-۴-۵-۳ بند سوم: اذن ولی امر مسلمین.....
- ۱۰۵-۴-۶ نحوه اجرای حکم قصاص شریک در قتل عمدی.....

فصل پنجم: بررسی کفایت در جنسیت

- ۱۱۰-۵-۱ بررسی دیه‌ی زن و مرد.....
- ۱۱۲-۵-۲ کسانی که قائل به برابری دیه‌ی زن و مرد هستند.....
- ۱۱۶-۵-۳ بررسی کفایت در جنسیت.....
- ۱۱۹-۵-۳-۱ کسانی که قائل به کفایت زن و مرد در قصاص هستند.....
- ۱۲۰-۵-۳-۲ کسانی که قائل به کفایت زن و مرد در قصاص هستند لیکن باید اولیای زن، نصف دیه را به خانواده‌ی قاتل (مرد) بدهند.....
- ۱۲۳-۵-۳-۳ کسانی که قائل به عدم کفایت زن و مرد در قصاص هستند.....

فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری

- ۱۲۸-۶-۱ نتیجه گیری.....

منابع و مأخذ

- ۱۳۲-منابع فارسی.....
- ۱۳۶-منابع غیرفارسی.....

چکیده انگلیسی

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

قتل یعنی سلب حیات آدمی به ویژه در صورتی که آگاهانه و با سوءنیت باشد، افکار و انظار خردمندان جوامع بشری را به خود مشغول داشته و هر یک از مکاتب انسانی و ادیان آسمانی، حکام، فقها و حقوقدانان به نوعی با این پدیده سهمناک مقابله کرده و در تعیین مجازات و جبران خسارت، ناشی از آن راه متفاوتی پیموده اند، دین مبین اسلام با صراحت و قاطعیت تمام ندای «ولکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب» سر می دهد حال آنکه مکاتب حقوقی جدید به ویژه غرب، در قانونی کردن نظریه القاء مجازات قتل عمدی «اعدام» اصرار می ورزند. قاتل حین ارتکاب قتل دستخوش احساسات ناشناخته و تحریک کننده است، غالباً شرایط خاصی که او در آن قرار دارد، اراده اش را تحت تأثیر قرار می دهد، اما وقتی جامعه قصد کشتن او را دارد، هیچ یک از آن شرایط وجود ندارد.

قتل نفس از بزرگترین گناهان است و مورد نهی شدید شارع مقدس قرار گرفته است. خداوند متعال کشتن

انسان ها را حرام کرده است. اگر کشتن انسان ها جایز بود، موجب نابودی انسان و نقض و باطل شدن هدف و تدبیر آفرینش می شد. مصلحت حفظ نفس یکی از بزرگترین مصلحت های اسلام است. خداوند متعال برای حرمت حفظ نفس انسان کیفر قصاص را مقرر داشته است. کیفر قصاص اگرچه اعدام و نابودی فردی از افراد جامعه است اما با توجه به نقش مهمی که در جلوگیری از قتل و خون ریزی و تضمین حیات جامعه را دارد و نیز از منظر تقدیم منافع جامعه بر فرد باعث استمرار و بقای زندگی، ضامن حفظ و بقای نظم، امنیت و عدالت اجتماعی است.

یکی از نهادها مؤثری که در نظام کیفری اسلام برای مبارزه با جرایم علیه تمامیت جسمانی، افراد جامعه تأسیس گردیده است، نهاد «قصاص» می باشد که گرچه پیش از اسلام نیز در جامعه عرب وجود داشته است. اما در اسلام به اوج تکامل و بایستگی خود رسیده است به گونه ای که در عین حال که بزهدکار را به کیفر رفتار غیر انسانی اش و بازماندگان مقتول را به حق طبیعی شان می رساند و نقش پیشگیرانه کیفر را به خوبی ایفا می کند، بر جنبه های انسانی و اخلاقی نیز مانند سفارش به بخشش، ملاحظه عنصر برابری در صدمات و پاسداشت اصل شخصی بودن مجازات تأکید می ورزد.

اصل اولی درباره انسانهای دیگر، احترام به خون آنها و حفظ حیات همگان است و حیاتی که انسان مانند هر موجود زنده دیگری دارد، حق اوست و دیگران باید این حق را محترم بشمارند و حفظ کنند. به همین جهت در ماده دو اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسان تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومتها واجب است که از این حق حمایت و درمقابل هر تجاوزی علیه آن، ایستادگی کنند و کشتن هیچکس بدون مجوز شرعی جایز نیست. در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده است که هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت دارد. قرآن کریم احیای یک انسان را، حیات همه و مرگ و قتل یک انسان را کشتن همه میدانند و می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده) (هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل و بدون فساد در روی زمین به قتل برساند، گویی همه انسانها را کشته است و کسی که انسانی را از مرگ نجات دهد گویا همه انسانها را از مرگ نجات داده است). براساس این آیه اهمیت حیات و مرگ یک انسان از نظر قرآن کاملاً آشکار می شود، که حیات یک انسان همانند حیات همه انسانها و مرگ یک انسان هم مرگ همه انسانهاست.

با توجه به اینکه محور و اساس دین، عقل است مجالی برای این سوءبرداشت نیست که دین گاهی دستور عاطفه و زمانی دستور مراعات نکردن عواطف را می دهد. تخفیف و رحمت، حکمی فرعی است تا دست اولیای دم برای عقوبت باز باشد. قصاص اصل است زیرا اجرای آن حیات جامعه را تأمین می کند. بنابراین، مسائل عاطفی حتی اعمال تخفیف و عفو و رحمت نباید به حیات عمومی امت آسیب برساند. از این رو، فرمود: «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الاباب» یعنی اصل کلی قصاص است که چونان روحی حاکم در نوع قوانین کیفری اسلام دمیده شده است. اما علت اینکه قصاص عامل حیات جامعه است، این است که بدانیم حیات در فرهنگ قرآن حکیم غیر از زندگی گیاهی است که صاحبان آن خارج از قلمرو تغذیه و رشد و تولیدمثل هدفی ندارند و غیر از حیات حیوانی عده ای است که بیرون از منطقه خیال و وهم از لحاظ اندیشه و فراتر از محور شهوت و غضب از جهت انگیزه خواسته ای ندارند، بلکه حیات معنوی و انسانی است که از منظر معرفت همراه با برهان عقلی و از دیدگاه محبت، همسفر با حبیب خداست و این حیات بدون ایمان به وحی و عمل به دستور آن حاصل نمی شود و همین معنای والایی از حیات کمیاب در پرتو ایمان به قصاص و عمل به آن حاصل می شود که هم خود شخص مرده از قصاص در صورت توبه و پذیرش حکم خداوند به حیات معنوی می رسد و هم دیگران. یعنی افزون بر این که جانی با قصاص به حیات معنوی می رسد قصاص می تواند ضامن حیات جامعه باشد، زیرا اگر حکم قصاص در تعالیم اسلامی وجود نداشت و افراد خطاکار احساس امنیت می کردند جان مردم بی گناه به خطر می افتاد از این رو حکم قصاص از کشته شدن افراد به دست مبتلایان به قساوت قلب پیشگیری می کند و به خاطر لزوم تماثل و برابری، مانع از قتل های پی در پی می شود و از این راه، هم مایه حیات جامعه و هم مایه عبرت دیگران است و کسانی که از قصاص بهرسانند اقدام به کشتن افراد نمی کنند. به عبارت

دیگر اولاً قصاص هم به سود جانی و قاتل است، زیرا اگر پیش از مبادرت به جنایت و قتل بداند که در صورت ارتکاب، او را قصاص می کنند دست به جنایت و قتل نمیزند و ثانیاً قصاص به سود مجنی علیه است، زیرا در مظلومیت نمی ماند، هم به سود اولیای مقتول، زیرا با قصاص تشفی می جویند و هم به سود جامعه است، زیرا با عبرت دیگران و هراس آنان از قصاص جلوی خونریزی و آدمکشی ظالمانه در جامعه گرفته می شود. این که قرآن می فرماید: برای شما در قصاص حیاتی است ای صاحبان لبّ و خرد. در واقع این عنوان اولوالالباب دو پیام دارد یکی نسبت به لیب درون دینی یعنی خردورزان

دیندار و دیگری راجع به لیب برون دینی، لیب درون دینی عهده دار فهم دقیق قانون قصاص بدون افراط و تفریط، علم عمیق به کیفیت اجرای آن بدون تبعیض و داشتن عدل و انصاف رسا بدون تسامح و تساهل و با نراهت و دوری از رشوه و ارتشا و برائت از قومگرایی، باند بازی و سایر رذایل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است.

۱-۲ بیان مسئله

در ابتدای بحث به بیان و بررسی معنای لغوی «کفائت» و «کفو» می پردازیم. در کتابهای لغت آمده است

«کفو» (به ضم کاف و سکون فاء، و همزه در آخر) و «کفوء» (به ضم کاف و فاء، و همزه در آخر) و جمع آن «اکفاء» (بر وزن اجسام) به معنای همتا و مانند است و «کفا» (به فتح کاف و فاء، و همزه در آخر) و «کفائت» (به فتح کاف و مد الف و فتح همزه)، هر دو به معنای یکسانی، برابری، شباهت، شایستگی و صلاحیت می باشند. کفائت در لغت به معنی همسانی و برابری است و در این باب به این معنی است که اگر فردی مرتکب قتلی گردید برای اینکه حد قصاص بر وی جاری گردید باید با مقتول در بعضی شرایط همسان باشد و گرنه قصاص اجرا نمی گردد. معیارهایی که در کفائت در فقه اسلامی وجود دارد عبارتند از: جنسیت، دیانت، حریت، اصل و فرع بودن، تکامل و عقل و عدد^۱.

الفاظ کفائت و کفوء علاوه بر معنای لغوی، معنایی اصطلاحی دارند که در علم فقه مطرح می شود. اما از آنجاکه کاربرد این الفاظ در فقه محدود به یک باب فقهی نمی شود و از طرفی در یک باب هم ممکن است چند معنای مختلف داشته باشند، نمی توان معنای اصطلاحی واحدی برای آنها بیان نمود. در نتیجه برای بیان معنای اصطلاحی این الفاظ، قبل از هر چیز باید مشخص نمود که در چه ابوابی از بابهای فقهی به کار رفته اند و معنای آنها در هر باب چیست؟ اگر این الفاظ در هر باب نیز در موارد مختلفی به کار رفته اند- به صورتی که معنای آنها به تناسب محل کاربریشان تفاوت کرده است - باید با توجه به محل کاربرد آنها معنای گوناگونشان را روشن نمود تا در نهایت معنای اصطلاحی

^۱. سیاح، فرهنگ سیاح، ۱۶۷/۳.

الفاظ مذکور آشکار و مشخص گردد. به طور کلی می توان گفت مبحث کفائت (فی نفسه) در دو باب از ابواب فقهی مطرح شده است؛ یکی در باب قصاص و دیگری در باب نکاح. شهید اول (ره) در تعریف قتل عمدی که موجب قصاص می شود آورده است: «... ازهاق النفس المعصومه المكافئه عمداً، عدواناً...»؛ یعنی قتل عمد موجب قصاص، عبارت است از خارج کردن نفس معصوم و همتا از روی عمد و ستم.^۱ در تعریف فوق کلمه «مکافئه» به معنای برابر دانسته شده است. شهید ثانی (ره) در شرح عبارت فوق می فرماید: مراد از این لفظ در سخن شهید اول، عبارت است از نفسی که از جهت اسلام و حریت و غیر آن از اعتباراتی که خواهد آمد، با قاتل برابر باشد.^۲ چنانکه از عبارت شهید ثانی به دست می آید، منظور از برابری در قصاص که بین قاتل و مقتول مطرح می شود، برابری در اسلام (یعنی مسلمان بودن و کافر بودن) و حریت یعنی (عبد و آزاد بودن) است. همچنین مراد ایشان و سایر فقها از سایر جهات که در برابری رعایت می شوند، عبارت است از جهاتی مانند ابوت و عقل. مراد از ابوت این است که شرط قصاص قاتل در قتل عمدی این است که وی پدر مقتول نباشد؛ پس پدر به قتل عمد فرزند خود قصاص نمی شود. و مراد از عقل هم این است که مقتول عاقل باشد؛ پس قاتل در صورتی که مجنونی را از روی عمد به قتل برساند، قصاص نمی شود. بنابراین مراد از کفائت در باب قصاص و اینکه بین چه کسانی مطرح می شود روشن گردید و چنان که گذشت، وجود آن بین قاتل و مقتول شرط جواز قصاص است. اعتبار کفائت مذکور در قصاص اعضا نیز شرط است. مجازات مترتب بر جنایات عمدی و عدوانی، قصاص است. قصاص از ریشه «قص یا یقص» است. قص در لغت به معنای دنباله روی، دنبال کسی رفتن یا از راهی که انسان رفته، از همان راه برگشتن

^۱ عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، اللعه الدمشقیه فی فقه الامامیه.

^۲ شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللعه الدمشقیه، ۳/ ۳۰۸.

را گویند. ولی در اصطلاح فقهی عبارت است از « پیروی از اثر جانی» به این معنا که اگر جنایت جانی اگر علیه نفس بوده است، ولی مقتول از همین اثر پیروی می کند و حیات قاتل را سلب می کند و اگر جنایت جانی علیه عضو بوده است، مجنی علیه یا ولی او همان عضو را از جانی سلب می نماید و اگر اثر جانی علیه منفعت عضو بوده، مثلاً بینایی کسی را زائل نموده، مجنی علیه بینایی او را سلب کند. قصاص نامی است برای استیفا کردن مثل جنایت، اعم از کشتن، بریدن، زدن و مجروح ساختن. قصاص در لغت به معنای پیروی کردن است. قصاً اَثَرَه یعنی از او پیروی کرد. گویا قصاص کننده از کسی که جنایت را وارد ساخته پیروی می کند و کاری همانند کار او انجام می دهد و از این رو به این کار او قصاص گفته می شود. بنابراین قصاص نفس عبارت است از: خارج کردن نفس معصوم و همتا از روی عمد و ستم است^۱.

قصاص در لغت به معنی هر نوع دنباله روی و پی جویی نمودن- کین کشی به مثل کشنده را کشتن- مجازات- عقاب- سزا- جبران- تلافی آمده است^۲.

قصاص از نظر اصطلاحی، به معنای تلافی و استیغای عینی جنایتی که در قتل عمدی، قطع عضو و جرح عمدی بر مجنی علیه وارد شده است می باشد به شکلی که اثر به جای مانده از جنایت عیناً روی جانی اجرا شده و به دست آید. قصاص در جنایت قتل عمدی را، قصاص النفس می گویند. و قصاص در جنایات قطع عضو و جرح را قصاص عضو گویند^۳.

^۱. شهیدثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۳/۳۰۸.

^۲. جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ص ۲۹۱۹؛ میر حسینی، سقوط قصاص در نظام حقوقی اسلام و ایران، ص ۱۵؛ گرجی و همکاران، حدود تعزیرات و قصاص، ص ۱۱۷؛ و خسرو شاهی، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، ص ۲۷.

^۳. ایمانی، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، ص ۳۷۱.

موضوع کفائت در قصاص، یکی از موضوعات اختلافی بین فقهای اسلام است و فقها هم در این مورد اختلافات گسترده ای دارند و تقریباً در تمامی انواع کفائت یعنی (دیانت، حریت، جنسیت، اصل و فرع بودن، قتل جماعت در مقابل واحد و عاقل بودن) اختلاف نظر دارند. مثلاً در اینکه آیا مسلمان به کافر و یا آزاد به برده کشته می شود اختلاف کرده اند و عمر و عثمان و علی و زید بن ثابت و معاویه و عمر بن عبد العزیز و عطاء و الحسن و عکرمه و زهری و ابن شبرمه و مالک و الثوری و أوزاعی و شافعی و إسحاق بن راهویه و ابو عبید و ابن المنذر و شیعه کفائت را شرط دانسته و لذا می گویند: در مورد مذکور قصاص جایز نیست و فقط دیه و تعزیر و بعضاً کفاره بر قاتل واجب است لیکن ابوحنیفه و شعبی و ابراهیم نخعی می گویند: اگر مسلمانی کافری را بکشد باید قصاص گردد و حرمت نفس ها مقدم است.

همچنین جمهور فقها گفته اند: مرد به خاطر کشتن زن کشته می شود و حتی این نظر بر آن اجماع هم نقل کرده است لیکن بعضی دیگر مانند علی و حسن بصری گفته اند کشته نمی شود و یا اینکه عثمان البته گفته است کشته می شود اما اولیای زن باید نصف دیه را به مرد بدهند و بعد می توانند مرد را قصاص کنند.

۱. معیارهای حصول کفائت در قصاص نفس از نظر فقه اسلامی چه می باشد؟

۲. آیا دلایل و مبانی لزوم کفائت در دین، جنسیت و عدد در قصاص نفس از اعتبار علمی برخوردارند؟

۳. آیا احکام مستفاد از آیات قصاص میان مذاهب اسلامی مورد اتفاق است؟

۴. اختلاف فقها در قتل عمد و شبه عمد و خطایی چیست؟

۱-۳ اهمیت و ضرورت موضوع

قتل نفس اولین جرمی است که از دیدگاه قرآن در زمین واقع شده که از خوی تجاوزگری و خودمحوری انسان حاکی است و این عمل در همان زمان هم جرم و گناه بوده است [سوره مائده آیات ۲۷ و ۳۲] بنابراین اگر از ابتدای حیات انسان قتل و ضرب و جرح بعنوان یک تهدید جدی برای زندگی او به حساب آمده، باید قبول کنیم که انسان از ابتدا، دفاع از خود را یک حق دانسته و در مقابل این تهدید از خود عکس العمل نشان داده است عکس العمل انسانها در برابر این جرم در همه ادوار تاریخ متناسب با سطح آگاهی، فرهنگ و رشد عقلانی آنها متفاوت و متغیر بوده است ولی بنظر می‌رسد مقابله به مثل اولین عکس العمل باشد که به صورت طبیعی مورد توجه انسان واقع شده با این تفاوت که این مقابله هیچ حد و مرزی نداشته، لذا در الواح دوازده گانه روم و در مجموعه قوانین حمورابی و در شریعت حضرت موسی و عیسی قصاص وجود داشته و مورد قبول بوده است و در اسلام هم اصل قصاص با شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است در قرآن آیات زیادی وجود دارد که ناظر به اصل قصاص می‌باشند البته این آیات دو دسته هستند که دسته اول به اصل مقابله به مثل به صورت کلی دلالت دارند و دسته دوم آیاتی که مستقلاً به خود مسئله قصاص مربوط می‌شود. در قوانین جزایی قبل از انقلاب مجازات قتل عمد، اعدام بود که در ضمن ماده ۱۷۰ بیان شده بود و صدمات عمدی جسمانی به موجب مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مجازات عمومی دارای مجازات حبس بود ولی در سال ۱۳۶۱ مجازات قتل عمدی، قطع عضو و جرح عمدی را قصاص تعیین کردند.^۱

^۱ میر حسینی، سقوط قصاص در نظام حقوقی اسلام و ایران، ص ۲۶ و ۳۳؛ خسروشاهی، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، ص ۲۸ و ۷۴.

تنها آیه ای که در قرآن کریم در مورد شرایط قصاص وجود دارد، آیه ۱۷۸ سوره بقره می باشد که در آن الله سبحانه و تعالی می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ».

« ای کسانی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد (و در آن، مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت». بقیه شروط معتبر در قصاص از احادیث دانسته می شود، که توضیح آنها خواهد آمد. پس با توجه به آیه، مرد آزاد در برابر کشتن مرد آزاد و زن آزاد در برابر زن آزاد کشته می شود.^۱

بنده نیز به واسطه کشتن مرد آزاد، زن آزاد، بنده و کنیز کشته می شود. و کنیز به واسطه کشتن مرد آزاد، زن آزاد، بنده و کنیز کشته می شود. مرد و زن آزاد به واسطه کشتن بنده، کشته نمی شود. اما برخی از فقها گفته اند: اگر قاتل به کشتن بنده عادت کرده است، برای ریشه کن کردن بی باکی او،

^۱. کاظمی، مسالک الافهام فی تفسیر آیات الاحکام، ۴/ ۲۱۷.